

ارتباط نگرش‌های تربیتی والدین با ابعاد سلامت روانی-اجتماعی (خودپنداره و تعامل اجتماعی) نوجوانان دختر

حمیده ساربان^۱، ابوالقاسم عیسی‌مراد^۲ و زهرا طیبی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مؤلفه‌های نگرش تربیتی والدین و رابطه‌ی آنها با ابعاد سلامت روانی-اجتماعی (خودپنداره و تعامل اجتماعی) نوجوانان دختر انجام شده است. برای انجام‌دادن این پژوهش تعداد ۱۲۰ دانش‌آموز دختر با میانگین سنی ۱۴ سال از مناطق ۲ و تبادکان آموزش و پرورش شهرستان مشهد به شیوه‌ی تصادفی خوشه‌ای گزینش شدند تا به آزمون فهرست عوامل حمایت‌کننده فردی و والدینشان به آزمون سبک فرزندپروری یانگ پاسخ دهند. نتایج به دست آمده گویای آن بود که مؤلفه‌های نگرش تربیتی والدین بر ابعاد سلامت روانی و اجتماعی نوجوانان تأثیر معنادار دارد. بدین معنا که هر چقدر والدین در سبک تربیتی خود از طرح‌واره‌های منفی بیشتر استفاده کنند، سطح سلامت روانی-اجتماعی فرزندان پایین‌تر خواهد بود. در مقابل، والدینی که در سبک تربیتی آنها وجود طرح‌واره‌های منفی کمتر دیده شده است، از فرزندانی با خودپنداره و خودکارآمدی بالا و هم‌چنین سازگاری روانی و اجتماعی قوی برخوردارند.

واژگان کلیدی: نگرش تربیتی والدین، سلامت روانی-اجتماعی، خودپنداره، تعامل اجتماعی

۱. نویسنده‌ی رابط: دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی H.sareban64@yahoo.com

۲. استادیار گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران

۳. استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، فردوسی مشهد.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۷/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۸/۱۱

مقدمه

سلامت روان شناختی نوجوانان حوزه‌ی گسترده‌ای است که یک دامنه‌ی آن به نگرش تربیتی والدین می‌رسد. نگرش‌های تربیتی خانواده از این جهت دارای اهمیت است که جامعه امروزی خانواده دست خوش تغییرات نا هماهنگی شده و به تدریج شکل و هیئت خود را از دست می‌دهد. در نتیجه روابط درون خانواده، یعنی روابط پدران و مادران و فرزندان از یک سو و روابط فرزندان با افراد جامعه از سوی دیگر دچار دگرگونی شده است. بنابراین خانواده که هسته اصلی جامعه را تشکیل می‌دهد و در شکل‌گیری شخصیت فرزندان نقش به‌سزایی دارد، باید کانون توجه قرار گیرد. از طرف دیگر حفظ و بهبود سلامت جسمانی- روانی و اجتماعی فرزندان از وظایف اصلی والدین به شمار می‌آید که تحت تأثیر نگرش‌های تربیتی والدین قرار دارد (رضایی، ۱۳۸۷).

بررسی نقش نگرش‌های تربیتی والدین یکی از مباحث مهم در قلمرو علوم تربیتی و روان‌شناسی است. شیوه‌های فرزندپروری مجموعه‌ای از نگرش‌های تربیتی والدین نسبت به کودک است که منجر به ایجاد جو هیجانی می‌شود که در آن رفتارهای والدین بروز می‌یابد (دارلینگ، ۱۹۹۳؛ به نقل از شریفی، ۱۳۹۰).

ابعاد فرزندپروری در چارچوب روابط والد - کودک مورد بررسی بوده است. تاثیر محیط خانواده بر رشد کودک اغلب به وسیله مشاهده تعامل والد - فرزند صورت می‌پذیرد. در این مشاهدات ویژگی‌های رفتاری والدین به وسیله‌ی چهار بعد ارزیابی شده است: کنترل، محبت کردن (عشق ورزیدن)، ارتباط برقرار کردن و واگذاری مسئولیت (دارلینگ و استنبرگ، ۱۹۹۳).

کنترل به معنای داشتن قوانین و چارچوب‌ها و نظارت بر اجرای قوانین است. نکته مهم در این مورد، اتفاق نظر والدین در مورد قوانین و اجرای عملی قوانین از طرف والدین است. بعد دوم

محبت کردن است. محبت لازمه‌ی رشد عاطفی کودک است و عدم وجود محبت در تعاملات والدین و فرزندان باعث ایجاد مشکلات روحی و روانی می‌گردد و محبت بیش از حد باعث لوس شدن فرزندان می‌شود. نکته مهم این است که والدین باید اعتدال را رعایت کنند. بعد سوم برقراری ارتباط است، منظور ایجاد درک، فهم و تفاهم در تعاملات والد-کودک است؛ یعنی ارتباط صریح و آشکار باشد. بعد چهارم واگذاری مسئولیت است. والدین برای این که در آینده کودکان مسئولیت پذیری داشته باشند، باید متناسب با توانایی کودک به او مسئولیت بدهند که هم مسئولیت‌های فردی و هم جمعی را شامل می‌شود (دارلینگ و استنبرگ، ۱۹۹۳؛ به نقل از وایت ساید^۱، ۲۰۰۸).

شیوه‌های فرزندپروری والدین یکی از سازه‌های جهانی است که بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عاملی مهم برای رشد و یادگیری کودکان به شمار می‌آید. به منظور شناخت الگوهای ارتباطی والدین و تأثیر آن در شخصیت و رفتار کودکان، دیدگاه‌های نظری مختلفی در خصوص سبک‌های تربیتی والدین توسط متخصصین ارائه شده است.

به طور کلی دو رویکرد در زمینه اثر تعامل والد-فرزند و سازگاری فرزندان مطرح است. یک رویکرد تیپ نگر که سبک‌ها یا انواع روش‌های تربیتی فرزندان را مورد بررسی قرار می‌دهد. رویکرد دیگر رویکرد تعامل اجتماعی است که تمرکز خود را روی ماهیت تبادلات والد-فرزند متمرکز ساخته است (فراهانی، ۱۳۸۵).

منظور از نگرش‌های تربیتی والدین در این تحقیق، مجموعه طرح‌واره‌های^۲ مربوط به سبک فرزندپروری است که الگوها یا درون مایه‌های فراگیر و عمیقی هستند از خاطرات و هیجان‌ها، شناخت واره‌ها، احساسات بدنی که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته‌اند و در مسیر

1. Whiteside

2. Scheme

زندگی تداوم دارند و به گفته یانگ^۱ این طرح‌واره‌های مربوط به سبک‌های فرزندپروری در دوران بعدی زندگی بر عملکرد افراد نسبت به فرزندانشان اثر می‌گذارد (یانگ، ۲۰۰۵).

این طرح‌واره‌های فرزندپروری یانگ با ویژگی‌هایی هم چون پذیرش، توجه، اعتماد، محبت به اندازه، احترام و کمک به استقلال کودک و رفتارهایی هم چون منفی‌گرایی و اعتقاد به تنبیه^۲ در تربیت فرزندان، محرومیت عاطفی^۳، بازداری هیجانی^۴، رهاکردن^۵، بدرفتاری^۶، شرم^۷، شکست^۸، بی‌کفایتی^۹ / وابستگی^{۱۰}، آسیب‌پذیری در مقابل ضرر^{۱۱}، خود تحول‌نیافته^{۱۲}، بدبینی^{۱۳} شناخته شده است (شیفلد^{۱۴}، ۲۰۰۶؛ به نقل از شهامت، ۱۳۸۹).

به گفته یانگ الگوها و سبک‌های فرزندپروری که والدین به کار می‌برند بستگی به این دارد که خودشان چگونه تربیت شده‌اند (شیفلد، ۲۰۰۶). این طرح‌واره‌ها در طی تجارب کودکی شکل گرفته که پاسخ فرد به رخداد‌های محیطی را کنترل می‌کند (یانگ، ۱۹۹۸؛ به نقل از شهامت، ۱۳۸۹).

سبک‌های تربیتی یانگ شامل ۹ الگوی تربیتی مختلف با مجموعه‌ای از رفتارها و نگرش‌های مختلف از سوی والدین است که بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه او به دست شیفلد، والر^{۱۵}،

-
- 1 . Young
 - 2 . Punishment
 - 3 . emotional deprivation
 - 4 . emotional inhibition
 - 5 . Abandonment
 - 6 . abuse
 - 7 . shame
 - 8 . failure
 - 9 . incompetence
 - 10 . dependence
 - 11 . vulnerability to harm
 - 12 . enmeshment
 - 13 . pessimism
 - 14 . Sheffield
 - 15 .Waller

موری، امانوئلی و کارولین (۲۰۰۶) تهیه و تنظیم شده است. این سبک‌های فرزندپروری والدین از طریق پرسش‌نامه‌ی فرزندپروری یانگ (YPI)^۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارتند از:

۱. سبک فرزندپروری محرومیت عاطفی^۲: این الگویی است از والدین که بچه‌ها را از هیجان‌های طبیعی خود محروم می‌کنند. نمرات بالا در پرسش‌نامه‌ی فرزندپروری یانگ، منعکس کننده والدینی است که از طرح‌واره محرومیت هیجانی بیشتر استفاده می‌کنند. در نتیجه در پرورش هیجان‌های طبیعی فرزندانشان با شکست مواجه شده‌اند و بر عکس نمرات پایین نشان دهنده‌ی رشد دادن متناسب هیجان‌های فرزندان است.

۲. سبک فرزندپروری بیش‌حمایت کننده^۳: این سبک نشان دهنده الگویی است که والدین، فرصت‌های رشدی را از فرزندان خود دریغ می‌کنند. در پرسش‌نامه یانگ، نمرات بالا نشان می‌دهد که والدینی که بیش‌حمایت کننده هستند، میزان طرح‌واره‌های بی‌اعتمادی، وابستگی/بی‌کفایتی، شکست و جلب توجه در سبک تربیتی آن‌ها زیاد است. در نتیجه اغلب به جای فرزندانشان تصمیم می‌گیرند و حق انتخاب را از آن‌ها می‌گیرند، بیش از حد نگران هستند و در پرورش دادن استقلال فرزندانشان با شکست مواجه شده‌اند. نمرات پایین نشان می‌دهد که والدین بیش‌حمایت کننده نیستند.

۳. سبک فرزندپروری تحقیر کننده^۴: نمرات بالای این سبک در پرسش‌نامه‌ی فرزندپروری یانگ، نشان دهنده میزان بالا طرح‌واره‌های بازداری هیجانی، رها کردن، شکست، و منفی‌گرایی است. این رفتارهایی است که والدین عادت دارند بچه‌ها را انتقاد کنند و به کمبودهای احساسی بچه‌ها توجهی نکنند. اکثر این والدین از بسیاری از نیازهای تربیتی فرزندان خود غافل هستند. این والدین احتمالاً علاقه‌ای به حوادث مدرسه‌ی کودک خود نداشته، با هم بازی‌های کودک ناآشنا

-
- 1 . Young parenting inventory
 - 2 . emotionally depriving parenting
 - 3 . overprotective parenting
 - 4 . belittling parenting

بوده و تنها هرازگاهی با آنها صحبت می‌کنند. رفتارهای تحقیر کننده بسیار شدید والدین را نشان می‌دهد. از طرف دیگر نمرات پایین منعکس کننده والدینی است که رفتار تحقیر کننده ندارند.

۴. سبک فرزندپروری کمال‌گرا^۱: الگویی از فرزندپروری است که در آن والدین انتظارات سطح بالایی از بچه‌ها دارند که متناسب با توانایی‌های آنها نیست. نمرات بالا نشان می‌دهد که این والدین از طرح‌واره کمال‌گرایی به وفور استفاده می‌کنند و انتظار عالی بودن را از بچه‌های خود دارند و معیارهای سرسختانه‌ای برای کودکان خود قرار می‌دهند. برعکس، والدینی که نمرات پایینی می‌گیرند، استانداردهای راحتی برای فرزندان دارند و انتظاراتشان متناسب با سطح رشدی و توانایی آنها است.

۵. سبک فرزندپروری بدبینی/هراسناک^۲: این سبک فرزندپروری گویای رفتارهای مضطرب و ترس در والدین است. نمرات بالا در پرسش‌نامه منعکس کننده‌ی والدینی نگران، مضطرب که دارای طرح‌واره‌ای بدبینانه و منفی به زندگی دارند. نمرات پایین نشان دهنده‌ی نبود این نگرش‌های منفی است و در مقابل نگرشی مثبت نسبت به خودشان، دیگران و زندگی دارند.

۶. سبک فرزندپروری کنترل کننده^۳: نمره بالا در این سبک، نشان دهنده‌ی آن دسته از والدینی است که طرح‌واره‌های بازداری هیجانی، اطاعت و وابستگی در سبک فرزندپروری آنها غالب است. در نتیجه استقلال فرزندان را کنترل یا بازداری می‌کنند. والدینی کنترل کننده هستند که رشد خودپنداره در فرزندان را محدود می‌کنند. تمایل به خودکشی و خودآزاری در سنین بزرگسالی در این کودکان قابل مشاهده است. این کودکان معمولاً در روابط اجتماعی ناموفق‌اند. گوشه‌گیری، خجالت و عدم اعتماد به نفس در این کودکان به وفور یافت می‌شود. برعکس، والدینی که نمره‌ی پایین می‌گیرند، به فرزندان اجازه می‌دهند که مستقل شوند و خودشان برای انجام کارها تصمیم بگیرند.

1 . perfectionist parenting
2 . pessimistic/fearful parenting
3 . controlling parenting

۷. سبک فرزندپروری بازدارنده عاطفی^۱: الگویی از فرزندپروری است که طرح‌واره اصلی آن‌ها بازداری هیجانی است. نمرات بالا در پرسش‌نامه‌ی فرزندپروری یانگ، نشان دهنده توانایی ضعیف والدین در سهیم کردن فرزندان در احساساتشان است. در مقابل نمرات پایین والدینی هستند که فرزندان را در هیجان‌ات و احساسات خود سهیم می‌کنند.

۸. سبک فرزندپروری تنبیه کننده^۲: این سبک الگویی از والدینی است که نسبت به اشتباهات فرزندان خود واکنش خشونت‌آمیزی دارند. والدینی که نمرات بالایی کسب می‌کنند، دارای طرح‌واره‌های منفی‌گرایی، تنبیه، وابستگی/بی‌کفایتی هستند. این والدین از رفتارهای تنبیهی زیاد استفاده می‌کنند و بر عکس نمرات پایین حاکی از والدینی سهل‌گیر و مهربان است که به راحتی اشتباهات فرزندان را نادیده می‌گیرند.

۹. سبک فرزندپروری شرطی / خودشیفته^۳: شامل آن دسته از رفتارهای والدینی است که دادن پاداش مثبت به بچه‌ها را مشروط به موفقیت آن‌ها می‌دانند. نمرات بالا از والدینی حکایت می‌کند که میزان طرح‌واره استحقاق/بزرگ‌منشی در سبک تربیتی آن‌ها زیاد است. این بدین معناست که این والدین ابراز محبت و توجه خود را مشروط به موفقیت‌های فرزندان می‌دانند و در مقابل والدینی با نمرات پایین آن‌هایی هستند که محبت و توجه غیر مشروط دارند.

متغیر ملاک در این پژوهش، ابعاد مختلف سلامت روانی- اجتماعی نوجوانان است. طبق فرهنگ روان‌شناسی آرتور^۴ (۱۹۸۵) واژه سلامت روانی برای افرادی به کار می‌رود که عملکردشان در سطح بالایی از سازگاری هیجانی و رفتاری است و نه در مورد افرادی که صرفاً بیماری روانی ندارند. آلپورت^۵ (۱۹۵۵)، مزلو و متیلن^۶ (۱۹۵۱)، آدلر (۱۹۸۲) و راجرز^۱ (۱۹۵۹) و تعداد

-
- 1 . emotionally inhibited parenting
 - 2 . punitive parenting
 - 3 . conditional/ narcissistic parenting
 - 4 . Arthur
 - 5 . Allport
 - 6 . Maslow & Metiman

دیگری از متخصصان بالینی و نظریه‌پردازان شخصیت نیز فهرست‌های مختلفی از سلامت روانی - اجتماعی تهیه کرده‌اند. به‌طور مثال در فهرستی که توسط آدلر (۱۹۸۲) تنظیم شده است، ابعاد سلامت روانی - اجتماعی شامل مواردی چون، خودپنداره، تعامل با دیگران، نمایش نقش‌های اصلی اجتماعی، مهار عواطف، گذر موفقیت‌آمیز از عوامل مختلف رشد، اداره حوادث اضطراب آور و دسترسی به منابع موجود می‌باشد (قندهاری زاده، ۱۳۷۸).

دومین متغیر مورد بررسی در پژوهش حاضر خودپنداره به‌عنوان یکی از ابعاد سلامت روانی اجتماعی می‌باشد.

خودپنداره عبارت است از این که فرد خودش را می‌بیند. تصویری و پنداشتی که ما از خود داریم در تعیین رابطه ما با دیگران سهم عمده ای دارند (ابراهیمی و یزدان دوست، ۱۳۸۵). یکی از انواع تقسیم‌بندی‌هایی که در خصوص خودپنداره صورت گرفته است، می‌توان به خودپنداره‌ی مثبت و منفی اشاره کرد. خودپنداره‌ی مثبت نشانگر این است که شخص، خود را به عنوان کسی که دارای نقاط قوت و ضعف است پذیرفته است و این امر موجب بالارفتن اعتماد به نفس در او شده، روابط اجتماعی وی را ارتقاء می‌بخشد. اگر خودپنداره‌ی فرد، منفی و نامتعادل باشد، از لحاظ روانی ناسالم شناخته می‌شود. کوپر اسمیت (۱۹۶۷) در مطالعاتش به این نتیجه رسید، کسانی که در کودکی خودپنداره مثبت و نیز عزت نفس بالایی داشتند در بزرگسالی موفق‌تر از کسانی بودند که خودپنداره منفی داشتند. خودپنداره‌ی منفی از شرایطی ناشی می‌شود که در این شرایط، جوانان نمی‌توانند تصورشان را نسبت به خودشان بیان کنند. بنابراین در چنین شرایطی مستعد انجام رفتار بزهکارانه می‌شوند و یکی از موفقیت‌هایی که باعث ایجاد چنین شرایطی می‌شود، رفتار والدین و از آن جمله، طرد شدن از طرف والدین است (کواک لیانگ^۲، ۱۹۸۹، چناری، ۱۳۸۷).

1 . Rojers

2 . Kwak leung

ولی‌زاده (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان سبک‌های والدینی و حرمت خود در بین دانش‌آموزان دبستانی به این نتیجه دست یافت که هر چه حمایت‌گری والدین بیشتر و رفتار سهل‌گیرانه‌ی آن‌ها کمتر باشد، حرمت خود در سطح بالاتر و در نتیجه رفتارهای مطلوب اجتماعی بیشتر است.

نتایج تحقیق مشابه صادقی، انصاری نژاد، فدایی، روبن‌زاده و ابراهیمی (۱۳۸۸) نشان داد که بین خود‌پنداره‌های واقعی و ایده‌آل با بعد کنترل - آزادی والدین رابطه معنادار مثبت وجود دارد. سبک‌های تربیتی استبدادی و طرد‌کننده‌ی والدین در مقایسه با سایر سبک‌های تربیتی معتبرترین پیش‌بینی‌کننده‌ها برای انواع خود‌پنداره‌های فرزندان است.

پژوهشگرانی هم چون فلاین تیموتی (۱۹۹۳)، بروین و اندروز^۱ (۱۹۹۶)، مارش (۱۹۹۷)، هانت ترزال (۱۹۹۷)، دومن^۲ (۲۰۰۰)، دانلوپ، بورتز و برمینگام^۳ (۲۰۰۱)، آنتاکو و تاک چان (۲۰۰۸)، براون و وایت ساید^۴ (۲۰۰۸)، گارسیا و گارسیا (۲۰۰۹) و ویلیامز^۵ (۲۰۱۲) همگی بر نقش والدین و کیفیت ارتباط و تعامل والدین با نوجوانان در شکل‌گیری خود‌پنداره‌ی مثبت و افزایش خود‌کارآمدی و عزت‌نفس در نوجوانان تاکید می‌کنند.

تعامل اجتماعی مستلزم به کارگیری مهارت‌های اجتماعی است که این مهارت‌ها مجموعه‌ی رفتارهای آموخته شده‌ای است که فرد را قادر می‌سازد با دیگران رابطه‌ی اثربخش داشته و از واکنش‌های نامعقول اجتماعی خودداری کند. همکاری، مشارکت با دیگران، کمک کردن، آغازگر رابطه بودن، تقاضای کمک کردن، تعریف و تمجید از دیگران و قدردانی کردن، مثال‌هایی از این نوع رفتار است. یادگیری رفتارهای فوق و ایجاد رابطه اثر بخش با دیگران

-
- 1 . Brewin & Andrews
 - 2 . Doman
 - 3 . Dulpo, Burns & Bermingam
 - 4 . Brown & Whiteside
 - 5 . Williams

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دوران کودکی است. متأسفانه همه‌ی کودکان موفق به فراگیری این مهارت‌ها نمی‌شوند (واکر و هوپس، ۲۰۰۵؛ به نقل از سلیمانی و زاهد، ۱۳۹۰).

در این پژوهش منظور از تعامل اجتماعی زیر شاخه‌های صلاحیت اجتماعی است که شامل همکاری، تعاون، جرأت و جسارت‌ورزی است که در این تحقیق با پرسش‌نامه‌ی عوامل حمایت‌کننده فردی (IPFI) اندازه‌گیری می‌شود.

در اغلب فرهنگ‌ها عامل نخست اجتماعی شدن فرزندان، والدین او هستند. تحقیقات مختلفی در خصوص رابطه‌ی شیوه‌های تربیتی والدین بر مهارت‌های اجتماعی فرزندان انجام گرفته که نتایج نشان می‌دهد والدین صمیمی، حمایت‌کننده و پذیرا، کودکانی دارند که از ارتباط بهتر با هم‌سالان خود برخوردارند و در مقابل، والدین سرکوب‌گر، متوقع و کنترل‌کننده که در تربیت فرزندان خود از شیوه‌های انضباطی شدید استفاده می‌کنند، فرزندان دارند که دارای پایین‌ترین موقعیت در ارتباط با هم‌سالان هستند (یوسفی، ۱۳۸۶). هم‌چنین طالبی‌مرند (۱۳۸۵) در پژوهشی مشابه دریافت که شیوه‌های فرزندپروری اقتداری و سهل‌گیر با مهارت‌های اجتماعی رابطه‌ی مثبت دارد و بین شیوه‌های فرزندپروری استبدادی با مهارت‌های اجتماعی رابطه‌ی منفی وجود دارد (یزدی، ۱۳۸۸).

در میان پژوهشگران غربی، هور، روز و روتگر^۱ (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی ویژگی‌های شخصیتی والدین و ارتباط آن با سبک‌های فرزندپروری پرداختند. آن‌ها در بررسی‌هایی که از سه ویژگی شخصیتی والدین از جمله ثبات هیجانی، برون‌گرایی و سازگاری اجتماعی داشتند، به این نتایج دست یافتند که ویژگی‌های برون‌گرایی و سازگاری اجتماعی والدین ارتباط مثبت و معناداری با رفتارهای حمایتی و احترام‌آمیز با فرزندان دارند. نتیجه این رفتارها سبک فرزندپروری است که در آن والدین کنترل مستبدانه‌ای ندارند، به عقاید و نظرات فرزندانشان احترام می‌گذارند، فرزندان را به مستقل فکر کردن تشویق می‌کنند و در نهایت در اجتماعی شدن فرزندانشان نقش بسزایی دارند.

1. Huver, Rose & Rutger

با توجه به شواهد موجود در تحقیقات انجام شده در خصوص سبک‌های فرزندپروری این تحقیقات نشان می‌دهد که وجود مشکلات رفتاری و شخصیتی نوجوانان به منزله‌ی روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و با روش‌های تربیتی نادرست والدین و تعاملات معیوب آن‌ها با فرزندان ارتباط دارد. در کل باید اذعان کرد که زندگی خانواده نقش اساسی در حفظ و ارتقاء سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی فرزندان و خانواده دارند. بنابراین انجام تحقیقاتی در این زمینه به منظور آگاه ساختن والدین در خصوص تأثیر نگرش‌های تربیتی آن‌ها بر ابعاد مختلف سلامت روانی-اجتماعی فرزندانشان ضروری به نظر می‌رسد. چرا که اعتقاد بر این است که سلامت و پویایی جامعه در گرو سلامت و پویایی اعضای خانواده و به خصوص فرزندان خانواده است.

با توجه به نتایج تحقیقات پیشین در قلمرو موضوع مورد بررسی، فرضیه‌های زیر تدوین شدند:

- ۱- بین نگرش‌های تربیتی والدینی و خودپنداره‌ی دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۲- بین نگرش‌های تربیتی والدینی و خودکارآمدی دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۳- بین نگرش‌های تربیتی والدینی و تعامل اجتماعی دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۴- بین نگرش‌های تربیتی والدینی و تعهد اجتماعی دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

روش

تحقیق حاضر مطالعه‌ی توصیفی-کاربردی از نوع همبستگی است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه‌ی آماری در پژوهش حاضر شامل تمام دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی نواحی ۷ گانه و تبادکان شهرستان مشهد است. در مرحله‌ی بعد، برای گزینش گروه نمونه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که از بین نواحی هفت‌گانه‌ی مشهد، ابتدا نواحی ۲ و تبادکان به صورت تصادفی انتخاب

شدند، در مرحله بعد از بین تمام مدارس راهنمایی این نواحی، یک مدرسه‌ی راهنمایی در ناحیه‌ی تبادلکان به صورت تصادفی و از بین تمام کلاس‌های مدرسه راهنمایی، دو کلاس با میانگین سنی ۱۴ سال به صورت تصادفی انتخاب شدند. هم‌چنین یک منطقه از سازمان دانش‌آموزی که برگزار کننده‌ی کلاس‌های زبان تخصصی برای دانش‌آموزان راهنمایی در ناحیه ۲ بود، به صورت تصادفی انتخاب شد. حجم نمونه‌ی تحقیق براساس تعداد متغیرها از طریق نرم افزار Gpower (کانینگام^۱، ۲۰۰۷) با ضریب آلفا ۰/۵ و ۰/۹۵: توان آزمون و ۰/۳: اندازه متوسط، عدد ۱۲۰ نفر به دست آمد. در پژوهش حاضر والدین گروه نمونه نیز شرکت داشتند. در پژوهش حاضر از ابزارهای ذیل استفاده شده است:

پرسش‌نامه‌ی فرزندپروری یانگ (YPI):^۲ پرسش‌نامه‌ی فرزندپروری یانگ که یک ابزار اولیه برای شناسایی ریشه‌های دوران کودکی طرح‌واره است، در سال ۲۰۰۳ یانگ این پرسش‌نامه را تهیه کرده است. این پرسش‌نامه ۷۲ عبارت دارد که در آن پاسخ دهنده پدر و مادر خود را به طور جداگانه، براساس نوع رفتاری که با وی داشته‌اند، در یک مقیاس شش درجه‌ای رتبه‌بندی می‌کند. این ابزار دارای ۱۷ زیر مقیاس محرومیت عاطفی، رها کردن، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، نقص/ شرم، شکست، وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری در مقابل ضرر یا آسیب، خود تحول نیافته/ گرفتار، اطاعت، ایثار، بازدارنده‌ی هیجانی، معیارهای سرسختانه، استحقاق/ بزرگ‌منشی، خویش‌داری و خود انضباطی ناکافی، پذیرش‌جویی/ جلب توجه، منفی‌گرایی/ بدبینی و تنبیه. هر یک از این زیر مقیاس‌ها ریشه‌های محتمل برای هر یک از طرح‌واره‌ها را نشان می‌دهند. برای مثال زیر مقیاس محرومیت عاطفی ریشه طرح‌واره محرومیت عاطفی مربوط به پدر یا مادر را نشان می‌دهد. میزان پایایی این پرسش‌نامه در سایر پژوهش‌های انجام شده، با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰ به دست آمده است. به منظور بررسی روایی سازه پرسش‌نامه فرزندپروری

1 . Joseph

2 . Young Parenting Inventory

یانگ، همبستگی میان نمرات این ابزار و پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین نمرات دو مقیاس همبستگی معناداری وجود دارد، که این مطلب حاکی از اعتبار سازه این آزمون است. به عبارت دیگر پرسش‌نامه‌ی فرزندپروری یانگ، ریشه‌های والدینی طرح‌واره‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این پرسش‌نامه در ایران نوعی (۱۳۷۸) به منظور بررسی رابطه طرح‌واره‌های مربوط به سبک‌های فرزندپروری با بیماران وسواس جبری اجرا کرده است که روایی آن ۰/۸۰ به دست آمده است.

پرسش‌نامه فهرست عوامل حمایت‌کننده فردی (IPFI):^۱ این پرسش‌نامه برای بررسی ابعاد سلامت روانی-اجتماعی نوجوانان ۱۰ تا ۱۶ ساله به اجرا درآمده است. شاخص عوامل حمایت‌کننده‌ی فردی (IPFI) که آن را اسپرینگر و فیلیپس^۲ (۱۹۹۷) طراحی کرده، یک آزمون خودگزارشی و دارای ۷۱ عبارت است که به منظور ارزیابی میزان سلامت روانی و اجتماعی نوجوانان تهیه شده است. دانش‌آموزان می‌بایست در مقابل هر سؤال، یکی از عبارت‌های: کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم و یا کاملاً مخالفم را برگزینند (اسپرینگر و فیلیپس، ۱۹۹۱). این شاخص ویژگی‌های فردی را در ۳ حیطه (تعهد اجتماعی، صلاحیت فردی و صلاحیت اجتماعی) و ۱۰ بعد یا زیر مقیاس مورد بررسی قرار می‌دهد. حیطه تعهد اجتماعی دارای سه بعد: مدرسه، خانواده و هنجارهای معین اجتماعی، حیطه‌ی صلاحیت فردی شامل ۴ زیر مقیاس: خودپنداره، خودکنترلی، خودکارآمدی و دیدگاه مثبت و حیطه‌ی صلاحیت اجتماعی شامل ۳ زیر مقیاس: جرأت ورزی، اطمینان و همکاری است (اسپرینگر و فیلیپس، ۱۹۹۷).

این شاخص در آغاز به‌عنوان ابزاری برای ارزیابی میزان موفقیت برنامه‌ی پیشگیری در نوجوانان ۱۰ تا ۱۶ ساله شناخته شد و پس از آن در بسیاری از پژوهش‌های دیگر مورد استفاده قرار

1 . Individual Protective Factors Index

2 . Springer & Philips

گرفت. میزان پایایی آزمون با ضریب آلفا $0/93$ به دست آمد. به منظور بررسی اعتبار سازه این آزمون ارتباط بین عوامل خطر پذیری و عوامل حفاظتی مورد ارزیابی قرار گرفته است (اسپیرینگر و فیلیس، ۱۹۹۷).

خلیلی (۱۳۸۹) در استانداردسازی فهرست عوامل حمایت کننده‌ی فردی دریافت که ابزار سنجش در جامعه دانش‌آموزان دختر شهر تهران از روایی بالایی برخوردار است. ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های فهرست $0/77$ به دست آمده است.

روش اجرا: دانش‌آموزان در همان کلاس‌های عادی خود پرسش‌نامه‌ی فهرست عوامل حمایت کننده فردی را تکمیل کردند و در پایان از دانش‌آموزان درخواست شد که پرسش‌نامه‌ی فرزندپروری یانگ را که به منظور سنجش نگرش والدین بود، والدینشان تکمیل کنند. داده‌های مطالعه حاضر، پس از جمع‌آوری، با استفاده از برنامه آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای بررسی ارتباط بین متغیرهای پیش بین (طرح‌واره‌های فرزندپروری) و متغیرهای ملاک (ابعاد سلامت روانی - اجتماعی) از روش همبستگی و رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان استفاده گردید.

نتایج

جدول ۱، بیانگر ارتباط بین خودپنداره نوجوانان با نگرش تربیتی والدین است ($p=0/001$ ، $t=0/43$). هم‌چنین مقادیر ضرایب رگرسیون و معناداری آن‌ها بیانگر آنست که طرح‌واره‌های محرومیت هیجانی، رهاکردن، شکست، آسیب‌پذیری، خودتحويل نایافته، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه کمال‌گرایی، خویش‌داری، پذیرش‌جویی، منفی‌گرایی و تنبیه به ترتیب از قوی‌ترین تا ضعیف‌ترین پیش‌بینی کننده‌های معنادار به صورت منفی برای خودپنداره می‌باشند. طرح‌واره‌های بی‌اعتمادی، نقص و شرم، وابستگی، استحقاق و پذیرش‌جویی نیز پیش‌بینی کننده‌ی معناداری برای خود پنداره نبوده‌اند. این نتایج منجر به تأیید فرضیه اول پژوهش حاضر شد.

جدول ۱. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه و ضرایب رگرسیون در پیش‌بینی خودپنداره از طریق نگرش‌های تربیتی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	منبع تغییرات	SS	df	MS	F	R	R ²
	نگرش‌های والدین	رگرسیون	۱۱۸/۷۲	۱۶	۷/۴۰	۱/۸۲۱*	۰/۴۳	۰/۱۸۴
		باقی مانده	۸۱۲/۹۹	۹۰	۹/۰۳۳			
نگرش‌های تربیتی								
		B	SE	بتا	t	P		
	محرومیت هیجانی	-۰/۰۳۸	۰/۰۴۷	-۰/۱۰۶	-۰/۸۱۷	*۰/۰۲		
	رها کردن	-۰/۰۰۸	۰/۱۱۱	-۰/۰۰۸	-۰/۰۷۱	*۰/۰۴		
	بی‌اعتمادی	۰/۲۶۷	۰/۱۵۹	-۰/۲۶۴	۱/۶۷۲	۰/۲۳		
	نقص و شرم	-۰/۰۶۰	۰/۱۵۸	-۰/۰۷۱	-۰/۳۷۹	۰/۱۱		
	شکست	-۰/۲۲۷	۰/۱۷۷	-۰/۲۵۰	-۱/۲۷۹	*۰/۰۴		
	وابستگی	-۰/۰۸۲	۰/۰۹۰	-۰/۱۶۳	-۰/۹۰۹	۰/۱۳		
	آسیب‌پذیری	-۰/۰۵۱	۰/۰۶۱	-۰/۰۹۷	-۰/۸۴۱	*۰/۰۴		
	خودتحول‌نا یافته	۰/۱۶۷	۰/۰۹۷	-۰/۳۱۷	۱/۷۱۸	*۰/۰۲۱		
	اطاعت	۰/۱۶۲	۰/۱۰۰	-۰/۳۰۶	۱/۶۲۸	*۰/۰۴۲		
	ایثار	۰/۰۴۲	۰/۱۱۱	-۰/۰۷۲	۰/۳۷۷	*۰/۰۳۵		
	بازداری هیجانی	۰/۰۶۲	۰/۰۷۷	-۰/۱۴۷	۰/۷۹۶	*۰/۰۲۱		
	کمال‌گرایی	-۰/۰۲۴	۰/۰۵۳	-۰/۱۱۲	-۰/۴۵۰	*۰/۰۳۹		
	استحقاق / بزرگ منشی	-۳/۴۹۷	۰/۰۹۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۵۱		
	خویش‌داری	۰/۰۱۰	۰/۱۱۱	-۰/۰۱۶	۰/۰۸۶	۰/۱۶		
	پذیرش‌جویی	۰/۰۵۰	۰/۰۷۹	-۰/۰۹۴	۰/۶۳۴	۰/۰۵۷		
	منفی‌گرایی	۰/۰۰۹	۰/۰۴۵	-۰/۰۳۰	۰/۱۹۵	*۰/۰۲۲		
	تنبیه	-۰/۰۳۸	۰/۰۴۷	-۰/۱۰۶	-۰/۸۱۷	*۰/۰۴۱		

* P<۰/۰۵

ارتباط نگرش‌های تربیتی والدین با ابعاد سلامت روانی - اجتماعی نوجوانان دختر

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه و ضرایب رگرسیون در پیش‌بینی خودکارآمدی از طریق نگرش تربیتی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	منبع تغییرات	SS	df	MS	F	R	R2
	رگرسیون		۳۳۸/۴۷	۱۶	۲۱/۱۵۴	۱/۷۱۲*	۰/۴۱۲	۰/۳۶۱
	باقی مانده		۲۹۴۳/۴۱	۹۹	۲۹/۷۳			
		B	SE	بتا	t	P		
	محرومیت هیجانی	-۰/۰۴۲	۰/۰۸۵	-۰/۰۶۲	-۰/۰۸۵	۰/۱۸		
	رها کردن	۰/۱۰۰	۰/۲۰۰	-۰/۰۵۶	-۰/۹۱۱	۰/۲۱		
	بی‌اعتمادی	-۰/۳۱۷	۰/۲۸۵	-۰/۱۷۲	۰/۴۸۴	۰/۰۴		
	نقص و شرم	۰/۰۲۲	۰/۲۸۶	-۰/۰۱۴	۰/۱۱۵	*۰/۰۱		
	شکست	-۰/۰۰۲	۰/۳۱۸	۰/۰۰۰	۰/۱۴۷	*۰/۰۲		
	وابستگی	۰/۰۴۵	۰/۱۵۱	-۰/۰۵۰	۰/۰۰۰	*۰/۰۲۱		
	آسیب‌پذیری	-۰/۱۱۸	۰/۱۰۹	-۰/۱۲۰	-۰/۸۲۳	*۰/۰۳		
	خود تحول نیافته	۰/۲۲۷	۰/۱۷۰	۰/۲۳۸	-۰/۲۰۱	*۰/۰۱۶		
	اطاعت	۰/۰۸۵	۰/۱۷۷	-۰/۰۸۹	-۰/۱۱۷	*۰/۰۲۷		
	ایثار	۰/۱۵۰	۰/۱۸۲	-۰/۱۴۷	-۰/۰۳۸	*۰/۰۳۷		
	بازداری هیجانی	۰/۰۲۷	۰/۱۳۹	-۰/۰۳۵	۱/۱۹۵	*۰/۰۱۳		
	کمال‌گرایی	۰/۰۰۵	۰/۰۹۵	-۰/۰۱۲	-۰/۰۳۳	*۰/۰۱۹		
	استحقاق/ بزرگ‌منشی	-۰/۱۲۷	۰/۱۵۹	-۰/۱۱۲	۰/۹۵	*۰/۰۱۳		
	خویش‌داری	۰/۳۰۹	۰/۱۹۷	-۰/۲۹۶	-۰/۶۱۲	*۰/۰۲۳		
	پذیرش‌جویی	۰/۲۴۹	۰/۱۴۰	-۰/۲۶۰	-۰/۲۹۶	*۰/۰۱۶		
	منفی‌گرایی	-۰/۱۱۶	۰/۰۸۱	-۰/۲۱۸	-۰/۹۳۶	*۰/۰۰۳		
	تنبیه	-۰/۰۴۲	۰/۰۸۵	-۰/۰۶۲	-۰/۰۸۵	۰/۰۶۱		

خودکارآمدی

داده‌های جدول ۲، نشان دهنده این مطلب است که متغیرهای پیش بین یعنی نگرش‌های تربیتی والدینی به طور کلی قادر به پیش‌بینی و تبیین ۳۶ درصد معناداری از واریانس خودکارآمدی دانش‌آموزان به عنوان یک متغیر ملاک ($r=0/412$, $p=0/001$) است.

بر اساس نتایج داده‌های آماری جدول ۲، مقادیر ضرایب رگرسیون و معناداری آن‌ها بیانگر آن است که طرح‌واره‌های نقص و شرم، شکست، وابستگی، آسیب‌پذیری، خودتحول نیافته، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه کمال‌گرایی، خویش‌داری، منفی‌گرایی، استحقاق، پذیرش‌جویی و تنبیه به صورت منفی پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای خودکارآمدی نوجوانان است. طرح‌واره‌های محرومیت هیجانی، رها کردن، بی‌اعتمادی نیز پیش‌بینی‌کننده‌ی معناداری برای خودکارآمدی نوجوانان نبوده است.

با توجه به جدول ۳، می‌توان گفت که متغیرهای نگرش تربیتی والدین توان پیش‌بینی و تبیین ۱۷ درصدی واریانس تعامل اجتماعی نوجوانان را به عنوان متغیر ملاک ($r=0/419$, $p=0/001$) دارند. به علاوه نتایج داده‌های آماری جدول ۳، نشان می‌دهد که طرح‌واره‌های وابستگی، آسیب‌پذیری، خودتحول نیافته، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، منفی‌گرایی و تنبیه به ترتیب از قوی‌ترین تا ضعیف‌ترین به صورت منفی پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای تعامل اجتماعی است. سایر طرح‌واره‌ها نیز پیش‌بینی‌کننده معناداری برای تعامل اجتماعی نبوده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه و ضرایب رگرسیون در پیش‌بینی تعامل اجتماعی از طریق نگرش‌های تربیتی والدین

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	منبع تغییرات	SS	df	MS	F	R	R2
	رگرسیون	۱۱۴/۱۲۶	۱۶	۷/۱۳۳	۱/۹۱۹*	۰/۴۱۹	۰/۱۷۷	
	باقی مانده	۷۶۸/۰۸	۶۷۹۹	۷/۷۵۸				
	B	SE	بتا	t	P			
محروریت هیجانی	۰/۰۲۴	۰/۰۴۳	-۰/۰۶۸	-۰/۴۹۲	۰/۳۲			
رها کردن	۰/۰۶۳	۰/۱۰۲	-۰/۰۶۷	۰/۴۹۹	۰/۷۱			
بی اعتمادی	-۰/۰۸۲	۰/۱۴۶	-۰/۰۸۶	-۱/۱۱۱	۰/۴۹			
نقص و شرم	-۰/۰۵۶	۰/۱۴۶	-۰/۰۶۹	۰/۰۷۶	۰/۴۱			
شکست	۰/۱۳۷	۰/۱۶۲	-۰/۱۶۲	-۰/۰۰۵	۰/۷۳			
وابستگی	-۰/۰۱۵	۰/۰۷۷	-۰/۰۳۳	-۰/۲۹۸	* ۰/۰۳۱			
آسیب پذیری	۰/۰۲۹	۰/۰۵۶	-۰/۰۵۷	-۱/۰۸۱	* ۰/۰۴۵			
خود تحول نیافته	۰/۰۹۹	۰/۰۸۷	-۰/۲۰۰	۱/۳۳۵	* ۰/۰۰۱			
اطاعت	۰/۰۳۸	۰/۰۹۱	-۰/۰۷۶	۰/۴۸۲	* ۰/۰۰۶			
ایثار	۰/۰۶۵	۰/۰۹۳	-۰/۱۲۳	۰/۸۲۱	* ۰/۰۳۷			
بازداری هیجانی	۰/۰۴۰	۰/۰۷۱	-۰/۱۰۲	۰/۱۹۳	* ۰/۰۲۹			
کمال گرایی	۰/۰۰۵	۰/۰۴۸	-۰/۰۲۴	۰/۰۵۰	۰/۲۷			
استحقاق/ بزرگ منشی	-۰/۰۶۹	۰/۰۸۱	-۰/۱۱۸	-۰/۸۰۰	۰/۳۴			
خویشتن داری	۰/۰۴۸	۰/۱۰۱	-۰/۰۸۸	-۱/۵۷۰	۰/۲۷			
پذیرش جویی	۰/۱۴۸	۰/۰۷۱	-۰/۲۹۹	-۱/۷۸۰	۰/۱۶			
منفی گرایی	-۰/۰۳۴	۰/۰۴۱	-۰/۱۲۵	-۱/۴۳۳	* ۰/۰۲۹			
تنیبه	۰/۰۲۴	۰/۰۴۳	-۰/۰۸۶	-۰/۴۹۲	* ۰/۰۴۹			

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه و ضرایب رگرسیون در پیش‌بینی تعهد اجتماعی از طریق نگرش‌های تربیتی والدین

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	منبع تغییرات	SS	df	MS	F	R	R2
	نگرش‌های والدین	رگرسیون	۱۱۴/۱۲۶	۱۶	۷/۱۳۳	۱/۹۱۹*	۰/۳۱۲	۰/۱۷۲
		باقی مانده	۸۸۲/۲۰۷	۹۹	۸۹/۷۵۸۷			
		B	SE	بتا	t	P		
تعهد اجتماعی	محرومیت هیجانی	۰/۰۲۴	۰/۰۴۳	-۰/۰۶۸	۰/۵۴۵	*۰/۰۲۳		
	رها کردن	۰/۰۶۳	۰/۱۰۲	-۰/۰۶۷	۰/۶۱۴	*۰/۰۳۱		
	بی اعتمادی	-۰/۰۸۲	۰/۱۴۶	-۰/۰۸۶	-۰/۵۶۵	*۰/۰۱۲		
	نقص و شرم	-۰/۰۵۶	۰/۱۴۶	-۰/۰۶۹	-۰/۳۸۲	*۰/۰۲۳		
	شکست	۰/۱۳۷	۰/۱۶۲	-۰/۱۶۲	۰/۸۴۵	*۰/۰۴		
	وابستگی	-۰/۰۱۵	۰/۰۷۷	-۰/۰۳۳	-۰/۱۹۸	*۰/۰۶		
	آسیب پذیری	۰/۰۲۹	۰/۰۵۶	-۰/۰۵۷	۰/۵۲۰	*۰/۰۱		
	خود تحول نیافته	۰/۰۹۹	۰/۰۸۷	-۰/۲۰۰	۱/۱۳۶	*۰/۰۰۱		
	اطاعت	۰/۰۳۸	۰/۰۹۱	-۰/۰۷۶	۰/۴۱۷	*۰/۰۱		
	ایثار	۰/۰۶۵	۰/۰۹۳	-۰/۱۲۳	۰/۷۰۲	*۰/۰۲۳		
	بازداری هیجانی	۰/۰۴۰	۰/۰۷۱	-۰/۱۰۲	۰/۵۶۵	*۰/۰۴۲		
	کمال گرایی	۰/۰۰۵	۰/۰۴۸	-۰/۰۲۴	۰/۰۹۹	*۰/۰۱۳		
	استحقاق/بزرگ منشی	-۰/۰۶۹	۰/۰۸۱	-۰/۱۱۸	-۰/۸۵۳	*۰/۰۱۴		
	خویشمن داری	۰/۰۴۸	۰/۱۰۱	-۰/۰۸۸	۰/۴۷۵	*۰/۰۲۴		
	پذیرش جویی	۰/۱۴۸	۰/۰۷۱	۰/۲۹۹	۲/۰۷۹	*۰/۰۱۶		
	منفی گرایی	-۰/۰۳۴	۰/۰۴۱	-۰/۱۲۵	-۰/۸۳۵	۰/۱۴		
	تنبیه	۰/۰۲۴	۰/۰۴۳	-۰/۰۶۸	۰/۵۴۵	۰/۳۴		

یافته‌های جدول ۴، بیانگر آنست که مؤلفه‌های نگرش تربیتی والدین قادر به پیش‌بینی ۱۷ درصدی تعهد اجتماعی در نوجوانان است. هم‌چنین نتایج آماری این جدول، نشان می‌دهد که

طرح‌واره‌های محرومیت هیجانی، رها کردن، بی‌اعتمادی، نقص و شرم، شکست، وابستگی، آسیب‌پذیری، خودتحول نیافته، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه کمال‌گرایی، خویش‌داری، استحقاق، پذیرش جویی به صورت منفی پیش‌بینی کننده‌های معناداری برای تعهد اجتماعی است. سایر طرح‌واره‌ها نیز پیش‌بینی کننده معناداری برای تعهد اجتماعی نبوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

سلامت روانی - اجتماعی نوجوانان حوزه گسترده‌ای است که شدیداً تحت تأثیر نگرش‌های تربیتی والدین است. نگرش‌های تربیتی به عنوان زیر ساخت‌ها و سنگ بنای سبک‌های فرزندپروری هستند که به گفته یانگ در دوران کودکی شکل می‌گیرند و بستگی به محیطی دارند که فرد در آن پرورش یافته است. مجموعه‌ای از این نگرش‌ها یا طرح‌واره‌ها منجر به شکل‌گیری سبک‌های تربیتی مختلفی خواهند شد. نظر به این که پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر نگرش‌های تربیتی والدین بر ابعاد سلامت روانی - اجتماعی نوجوانان دختر شهرستان مشهد صورت گرفت. در پرسش‌نامه‌ی سبک فرزندپروری یانگ (YPI) مؤلفه‌هایی که از بیشترین میانگین برخوردارند، نشان دهنده‌ی نگرش تربیتی منفی والدین است و مؤلفه‌هایی که کمترین میانگین را شامل می‌شود به عنوان نگرش تربیتی مثبت والدین در نظر گرفته می‌شود. با همین تبیین، نتایج پژوهش نشان داد، مؤلفه نگرش تربیتی محرومیت هیجانی والدین که در برگیرنده رفتارهای سرد و خشک و هم چنین محروم کردن بچه‌ها از هیجان‌های طبیعی خود است، بیشترین میانگین را دارد و از طرف دیگر مؤلفه نگرش بی‌اعتمادی یا بدرفتاری که شامل محدودیت‌های شدید و آزارنده که در نهایت وابستگی را در پی دارد، کمترین میانگین را دارد.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر، این مطلب است که هر چقدر محرومیت عاطفی و منفی‌گرایی والدین بیشتر باشد، میزان خودپنداره فرزندان هم پایین‌تر می‌شود. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری خودپنداره فرزندان، نوع رفتار و رابطه‌ی والدین با فرزندان است. آن‌گونه که والدین با فرزندان رفتار می‌کنند، عامل قطعی در ساخت خودپنداره

آن‌ها است. لذا نگرش منفی نسبت به خود و خودپنداره ضعیف فرزندان در نتیجه‌ی رابطه‌ی معیوب با والدین با نگرش تربیتی منفی شکل می‌گیرد. اگر خودپنداره فرد منفی و نامتعادل باشد، از لحاظ روانی ناسالم شناخته می‌شود. خودپنداره مثبت نشانگر این است که شخص خود را به عنوان کسی که دارای نقاط قوت و ضعف است پذیرفته است و این امر موجب بالارفتن اعتماد به نفس در او شده و روابط اجتماعی وی را ارتقاء می‌بخشد (چناری، ۱۳۸۷).

از جمله تحقیقات انجام شده در کشور، یوسفی (۱۳۸۶) در زمینه‌ی بررسی رابطه‌ی سبک‌های تربیتی والدین با جنبه‌های مختلف خودپنداره نشان داد که ادراک از خانواده به عنوان صمیمی و حمایت کننده، پیش‌بینی کننده‌ی تمامی جنبه‌های خودپنداره‌ی دانش‌آموزان از جمله اطمینان کلی و برداشت مثبت از خود، هدف مدار مثبت در مدرسه و سازگاری مثبت با مدرسه است.

رضوان خواه (۱۳۸۸) در پژوهشی مشابه به این نتیجه رسید که خودپنداره‌ی فرزندان از طریق روابط درون بافت عاطفی-اجتماعی خانواده رشد می‌کند. خودپنداره‌ی نوجوانانی که کنترل والدینی کمتر و محبت بیشتری را دریافت می‌کنند بیشتر از سایر نوجوانان است. والدین صمیمی و با محبت باعث می‌شوند که کودکان نگرش مثبت نسبت به خود داشته باشند. نتایج تحقیق مشابه صادقی و همکارانش (۱۳۸۸) نشان داد که سبک تربیتی طرد کننده‌ی والدین معتبرترین پیش‌بینی برای انواع خودپنداره‌ی فرزندان است.

توزنده جانی، توکلی زاده و لگزیان (۱۳۹۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که والدین مقتدر دارای فرزندان مستقل، گرم، صمیمی و دارای روحیه همکاری بیشتری هستند و توانایی ابراز وجود و انگیزه‌ی پیشرفت بالایی دارند که چنین رویه‌ای به خود کارآمدی بالا منجر می‌شود. اما در مقابل، نوجوانانی که خودپنداره پایینی دارند از مشکل در تصمیم‌گیری در بزرگسالی رنج می‌برند. هم چنین خود کارآمدی پایینی دارند، کمتر به خود متکی هستند و به توانایی‌های خود اعتماد ندارند و به ندرت می‌توانند به تنهایی کاری انجام دهند یا ابراز عقیده کنند. هم چنین در

اجتماع و برقراری رابطه با دیگران و همسالان مشکلات زیادی دارند و سازگاری اجتماعی کمتری از خود نشان می‌دهند (ویلیامز، ۲۰۱۲).

بروین و اندروز (۱۹۹۶)، مارش^۱ (۱۹۹۷)، دانلوپ^۲ (۲۰۰۱)، هانت ترزال^۳ (۱۹۹۷)، دومن^۴ (۲۰۰۰)، فلاین تیموتی^۵ (۱۹۹۳)، آنتاکو و تاک چان^۶ (۲۰۰۸)، براون و وایت ساید^۷ (۲۰۰۸)، گارسیا و گارسیا^۸ (۲۰۰۹) و هامون (۲۰۱۲) همگی بر نقش والدین و کیفیت ارتباط و تعامل والدین با نوجوانان در شکل‌گیری خودپنداره‌ی مثبت و افزایش خود کارآمدی و عزت نفس در نوجوانان تاکید می‌کنند.

مؤلفه‌ی تعامل اجتماعی در این پژوهش همان مؤلفه‌های صلاحیت اجتماعی در پرسش‌نامه‌ی فهرست عوامل حمایت‌کننده فردی (IPFI) است که در سه حیطه: همکاری، اطمینان و جرأت‌ورزی مورد بررسی قرار گرفته است.

زیر مؤلفه جرأت‌ورزی اشاره به توانایی‌های فرد در ابراز عقیده در جمع یا گروه را دارد. زیر مؤلفه همکاری در برگیرنده‌ی رفتارهایی در زمینه مشارکت در امور، کمک به دیگران در انجام دادن کارها و تعلق داشتن به یک گروه است. زیر مؤلفه‌ی اطمینان شامل: اعتقاد فرد در برقراری ارتباط با دیگران از طریق به کارگیری مهارت‌های اجتماعی است که حفظ این ارتباطات از طریق احترام و اعتماد به دیگران ممکن است.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، بین طرح‌واره‌های فرزندپروری یانگ و تعامل اجتماعی بچه‌ها رابطه‌ی عکس وجود دارد. به این معنا که هر چقدر طرح‌واره‌های منفی فرزندپروری بیشتر

-
- 1 . Marsh
 - 2 . Dunlop
 - 3 . Hunt & Teresal
 - 4 . Doman
 - 5 . Felain & Temuty
 - 6 . Anita koo & Tak chan
 - 7 . Brown & Whitesite
 - 8 . Garsia & Garsia

باشد، میزان تعامل اجتماعی کمتر است. به طور مثال نگرش وابستگی والدین، فرزندان را از تجربه کردن فرصت حضور در جمع و حس استقلال محروم می‌کند و اعتقاد دارند که آن‌ها شایستگی و کفایت لازم را برای انجام امور روزمره ندارند. هم چنین طرح‌واره بازداری هیجانی که در نتیجه‌ی آن فرد مجبور است که هیجان‌ات خود را از دیگران پنهان کند و از نشان دادن احساسات و عواطف خود محروم است.

به گفته یانگ (۲۰۰۳) این باورهای منفی والدین باعث می‌شود که فرزندان در به کارگیری مهارت‌های اجتماعی ضعیف عمل کنند و از برقراری روابط نزدیک با دوستان و هم‌سالان به خاطر ترس از مواجه شدن با نقص‌ها و کمبودهای خود، اجتناب کنند و اغلب ترجیح می‌دهند که در کارها و بحث‌های گروهی شرکت نکنند از ترس این که مبادا در جمع مورد تمسخر سایرین قرار بگیرند. این رفتارهای اجتنابی در نهایت ممکن است به قرنطینه اجتماعی^۱ منجر شود (شیفیلد، ۲۰۰۶).

تحقیقات واکر^۲ (۲۰۱۱) در زمینه‌ی تأثیر نگرش‌های تربیتی مثبت و منفی والدین بر ویژگی‌های روان‌شناختی نوجوانان تأیید کننده‌ی یافته‌های پژوهش حاضر است. او نگرش‌های مثبت والدین را شامل: پذیرش والدینی، استقلال روانی-منطقی و دانش والدینی می‌پنداشت. در مقابل نگرش‌های منفی را کنترل روانی-منطقی، نظم شدید و نظم ناهماهنگ بین والدین می‌دانست که در بروز رفتارهای انحرافی، پرخاشگری و افسردگی نقش مهمی دارند. هم چنین آنتاکو و تاک چان^۳ (۲۰۰۸) با انجام تحقیقی در رابطه با سبک‌های تربیتی و پیامدهای آن در زندگی نوجوانان نشان داد که سبک فرزندپروری تأثیر اساسی و مهم و در عین حال پنهان با ابعاد سلامت نوجوان از جمله عزت نفس، خوشبختی فردی، سلامتی و رفتارهای نامطلوب اجتماعی و مشکل ساز دارد.

1 . social isolation

2 . Walker

3 . Anita koo & Tak chan

هم چنین یافته‌های نوشادی (۱۳۹۱)، بلقان آبادی و همکارانش (۱۳۸۹)، یوسفی (۱۳۸۶)، محمودی جسور (۱۳۸۸)، طالبی مرند (۱۳۸۵)، هانت ترزال (۱۹۹۷)، گارسیا و گارسیا (۲۰۰۹)، شک^۱ (۱۹۹۷) و ویلیامز (۲۰۱۲) با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است.

براساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان این طور نتیجه گرفت که، والدینی که در سبک تربیتی انتخابی خود از نگرش‌های تربیتی منفی استفاده کرده بودند، فرزندان با سلامت روانی - اجتماعی پایین داشتند. نوجوانانی با خودپنداره منفی، عزت نفس پایین، خودکارآمدی ضعیف، نگرشی بدبینانه و منفی به زندگی و آینده و سازگاری اجتماعی پایین که در روابط با دیگران و حضور در اجتماع موفق نبودند.

در مقابل، والدینی که میزان طرح‌واره‌های فرزندپروری آن‌ها از طریق پرسش‌نامه‌ی یانگ پایین گزارش شد، دارای نگرش تربیتی مثبت‌تری نسبت به گروه قبل بودند. این نتایج بدین معناست که در سبک تربیتی این والدین، طرح‌واره‌های محرومیت هیجانی، بازداری هیجانی، بی‌اعتمادی، رها کردن، منفی‌گرایی، تنبیه، وابستگی، شکست، نقص و شرم و معیارهای سرسختانه کمال‌گرایی کمتر دیده شده است. در نتیجه فرزندان با مؤلفه‌های سلامت روانی - اجتماعی بالا، که از خودپنداره‌ی مثبت، خودکنترلی و خودکارآمدی بالا و دیدی مثبت نسبت به خود، زندگی و آینده برخوردار بودند. هم چنین عملکرد تحصیلی این نوجوانان در مدرسه خوب و حضورشان در اجتماع زیاد بود.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، می‌توان به شرکت نکردن برخی از دانش‌آموزان و والدین در طرح، اشاره کرد.

هم چنین، سبک‌های فرزندپروری والدین از ویژگی‌های فرهنگی و وضعیت اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. از آن جا که تفاوت فرهنگی میان شهر مشهد با سایر استان‌ها و شهرستان‌های کشور وجود دارد، تعمیم‌الگوی این تحقیق با سایر مناطق باید با احتیاط

1 . Shek

صورت گیرد.

این پژوهش بر روی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی صورت گرفته است و احتمال عدم امکان تعمیم به مقاطع دیگر تحصیلی وجود دارد. مطالعه حاضر موارد زیر را پیشنهاد می‌کند: در نظر گرفتن متغیرهای میانجی تأثیرگذار بر رشد سلامت روانی و اجتماعی از قبیل ویژگی‌های مدرسه، همسالان و غیره. مطالعه بیشتر عوامل خرده فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به عنوان متغیرهای پیش‌آیند در الگوی پیش‌بینی کنندگی شیوه‌های فرزندپروری والدین بر سلامت روانی نوجوانان. بررسی عملکرد والدین از طریق دانش‌آموزان و مقایسه این دو ارزیابی. بررسی تفاوت‌های جنسیتی در پژوهش‌های آتی با ارزیابی ابعاد سلامت روانی اجتماعی پسران و مقایسه آن با دختران. برگزاری کارگاه‌های کوتاه مدت و فشرده یک روزه برای والدین در مدارس ترتیب داده شود تا به بهبود و ارتقاء روابط والدین و نوجوانان کمک شایانی شود.

منابع

- بلقان آبادی، مصطفی؛ چاوشی، الهام؛ عبد خدایی، محمدسعید؛ اولادی، زکیه و نسل شاملو، جمشید (۱۳۸۹). بررسی رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری والدین و اختلالات روانی فرزندانشان. *مجله‌ی اصول بهداشت روانی*، ۱۳ (۳)، ۱۰۸-۱۲۰.
- توزنده جانی، حسن؛ توکلی زاده، جهانشیر و لگزیان، زهرا (۱۳۹۰). اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روانی دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام‌نور و آزاد نیشابور. *فصل‌نامه‌ی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد*، ۱۷ (۲)، ۵۶-۶۴.
- چناری، مهین (۱۳۸۷). مقایسه خودپنداره دانش‌آموزان واجد والدین دارای نگرش تربیتی مثبت و منفی با توجه به جنسیت دانش‌آموزان. *فصل‌نامه خانواده و پژوهش*، ۲ (۴)، ۹۰-۱۰۰.

- رضایی، موسی (۱۳۸۷). خانواده و نگرشی نو به تعلیم و تربیت فرزندان (از دبستان تا دانشگاه). تهران: انتشارات دانش پور.
- رضوان خواه، مهناز (۱۳۸۸). رابطه مفهوم خود، ساختار خانواده و نگرش به عملکردهای تربیتی والدین در نوجوانان. *مطالعات تربیتی و روان شناسی*، ۱۰ (۳)، ۳۰-۱۹.
- سلیمانی، اسماعیل؛ زاهد، عادل؛ فرزانه، جبرائیل و ستوده، محمد باقر (۱۳۹۰). مقایسه نارسایی هیجانی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری و بهنجار. *مجله‌ی ناتوانی‌های یادگیری*، ۱(۱)، ۷۸-۹۳.
- شریفی، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی رابطه ادراک دانش‌آموزان از سبک‌های فرزندپروری والدین با خود تنظیمی تحصیلی و جهت‌گیری مذهبی آنان در مدارس متوسط ناحیه‌ی ۲ شهر کرمان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان شناسی فردوسی مشهد.
- شهامت، ف؛ ثابتی، ع و رضوانی، س (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه. *مجله‌ی مطالعات تربیتی و روان شناسی*، ۲ (۱۱)، ۲۳۹-۲۵۴.
- صادقی، منصوره السادات؛ انصاری نژاد، فاطمه؛ فدایی، زهرا؛ روبن‌زاده، شرمین و ابراهیمی، سید محسن (۱۳۸۸). نقش سبک‌های تربیتی والدین در شکل‌گیری انواع خودها و فاصله بین آنها در فرزندان. *نشریه‌ی خانواده پژوهی*، ۵ (۱۸)، ۱۵۸-۱۴۰.
- فراهانی، محمد نقی (۱۳۸۵). رابطه‌ی سلامت روان‌شناختی نوجوانان ۱۵-۱۸ ساله با سبک‌های تربیتی و وضعیت اقتصادی اجتماعی والدین. *مجله فصل‌نامه پژوهش در سلامت روان شناختی*، ۱(۱)، ۵۵-۴۸.
- قندهاری زاده، افسانه (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی (خانواده و دوستان) و سلامت روانی نوجوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی فردوسی مشهد.
- نوشادی، حسن (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های فرزندپروری با عملکرد خانواده معلمان شهرستان فراسیند. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی فردوسی مشهد.
- ولی‌زاده، شیرین (۱۳۹۰). سبک‌های والدگری و پیشرفت تحصیلی: نقش واسطه گر خودپنداشت یا حرمت خود؟ *مجله روان شناسی تحولی، روان‌شناسان ایرانی*، ۸ (۳۰)، ۱۵۵-۱۴۳.

یزدی، زینب (۱۳۸۸). شیوه‌های فرزندپروری، بررسی مطالعات انجام شده در ایران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی فردوسی مشهد.

یوسفی، فریده (۱۳۸۶). ارتباط سبک فرزندپروری والدین با مهارت‌های اجتماعی و جنبه‌هایی از خودپنداره دانش‌آموزان دبیرستانی. *مجله دانشور (ویژه‌ی مقالات روان‌شناسی)*، ۱۴(۲۲)، ۳۷-۴۶.

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style of adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.

Brewin, C. R & Andrews, B. (1996). Intergenerational links and positive self-cognitions: Parental correlates of optimism, learned resourcefulness and self-evaluation. *Cognitive Therapy and Research*, 20(3), 247-263.

Brown, A. M. & Whiteside, S. P. (2008). Relations among perceived parental rearing behavior, attachment style, and worry in anxious children. *Journal of Anxiety Disorders*, 22(2), 263-272.

Cunningham, JB., McCrum, & Gardner E. (2007). Power, effect and sample size using GPower: practical issues for researchers and members of research ethics committees. *Evidence Based Midwifery*, 5(4), 132-6.

Doman, A. F. (2000). Predictors of adolescent runaway behavior, social behavior and Personality, 28(3), 261-268.

Dunlop, R., Burns, A. & Bermingham, S. (2001). Parents-child relations and adolescent self-image following divorce, A 10 years study, *Journal of Youth and adolescence*, 30(2). 117-134.

Hamon, J. D. & Schrodt, P. (2012). Do Parenting Styles Moderate the Association Between Family Conformity Orientation and Young Adults' Mental Well-Being? *Journal of Family Communication*, 12(2), 151-166.

Huver, R.O., Rose, M. E., C. M. E. & Rutger, H. (2010). Personality and parenting style in parents of adolescents Engels. *Journal of Adolescence*, 33, 395-402.

Anita, K. W. & Tak, Chan. (2008). Parenting and Youth outcomes in the UK. University of Oxford.

Laura, M., Walker, Padilla., Bean, Roy A. & Hsieh, Alexander L. (2011). The role of parenting and personal characteristics on deviant peer association among European American and Latino adolescents. *Children and Youth Services Review*, 33, 2034-2042.

Shek, D. T. L. (1997). Family environment & adolescent psychological well-being, school adjustment, and problem behavior: A pioneer study in a Chinese context. *Journal of Genetic psychology*, 158, 113-128.

Sheffield, A., Waller, G., Emanuelli, F., Murray, J. & Caroline, M. (2006). Links Between Parenting and Core Beliefs: Preliminary Psychometric Validation of the Young Parenting Inventory. *Cognitive Therapy and Research*, 29(6), 787-802.

- Sheffield, A., Waller, G., Emanuelli, F. & Murray, J. (2005). Is comorbidity in the eating disorders related to perceptions of parenting? Criterion validity of the revised Young Parenting Inventory. *Eating Behaviors*, 7, 37-45.
- Steinberg, L., Lamborn, S. D. & Darling, N. (1993). Mounts and Sanford M. Dornbusch. Over-Time Changes in Adjustment and Competence among Adolescents from Authoritative, Authoritarian, Indulgent, and Neglectful Families. *Child Development*, 65(3), 754-770.
- Teresal, H. (1997). self-concept, hope and academic achievement. Missouri Western state college.
- Turner, L. A. & Turner, P. E. (2011). The relation of behavioral inhibition and perceived parenting to maladaptive perfectionism in college students. *Personality and Individual Differences*, 3(50), 840-844.
- Williams, K. E., Ciarrochi, J., & Heaven, P. C. L. (2012). Inflexible Parents, Inflexible Kids: A 6-Year Longitudinal Study of Parenting Style and the Development of Psychological Flexibility in Adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*. 51(6), 306-314.

Studying the effects of parenting attitudes in mental-social health (self-concept, social interaction) of teens

H. Sareban¹, A. Isamorad² & Z. Tabibi³

Abstract

This study was done on the female teens to deliberate the prospective components of the treatment by parents, and their relevance to the psychological-social dimensions (self-concept-social interaction). Accordingly, 120 school girls with an average age of 14 years, were chosen through software G power random test, among Tabadkan students and the students of Educational zone no.2 in Mashhad, to answer Individual Protective Factors Index (IPFI) test. Their parents also were to answer Young parenting inventory (YPI). The achieved results indicated that the prospective components of the treatment by parents were significantly effective on the teens 'psychological-social dimensions. It means, the more negative parenting schemas they have in their treatment style, the lower psychological-social level their teens will have; on the contrary, the parents who have less negative parenting schemas, will have the teens with high self-concepts and self-efficacies and strong psychological and social adjustment.

Keywords: parenting attitudes, mental-social health, self-concept, social interaction

1 . Corresponding Author: M.A student of psychology, University of Allame Tabatabaee Tehran

2 . Assistant Professor of Psychology, University of Allame Tabatabaee Tehran

3 . Assistant Professor of growth Psychology, University of Ferdowsi of Mashhad